

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (حبل المتین)
عنوان مراسلات (---)
طهران خیابان لاله زار
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیه

حبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

قیمت يك نسخه (---)
در طهران صد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطری
دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

یا امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

یک شنبه ۱۷ شوال المکرم ۱۳۲۵ هجری قمری و ۸ آذرماه جلالی ۸۲۹ و ۲۴ نوامبر ۱۹۰۷ میلادی

(درد دل)

(مقاله یکی از وطن پرستان از طرابوزان)

شب تاریک و بیم موج کردایی چنین حایل
کجا داتد حال ما سبکیان ساحلها
ای هموطنان، محترم ساکن ممالک روس و دیار هند و قطعه
مصر و فرنگ و خطا و ختن خوشا بحالتان که روزگار بد
رفتار شمارا محتاج خاک عثمانی و بلاد روم فکردانیده
از طغنه و شماتت عثمانیان در اینموقع آسوده هستید و
فراغت دارید همین قدر دلخوش داشته اید که وزراء
و سفرای مامانند در یوزه بهره در سری زدند و پناهی
بردند تا اینکه از طرفین کمیسیون تعیین و فرستاده شد و
عسا قریب هم اراضی مقصوبه را تخلیه و بما مسترد
خواهند داشت ای والله صحیح است دولت عثمانی
کمیسونی در تحت ریاست طاهر پاشا والی تبلیس اعزام
داشته و محمد توفیق بیگ مدیر معارف طرابوزان
هم از اجزای کمیسیون مذکور میباشد

ولی با کمال قائل و تأسف بشما عرض میکنم که
اعزام این کمیسیون ابد قابل اعتنا و اطمینان نیست
زیرا اگر حکومت عثمانی جدا طالب صلح می بود
نیاستی همه روزه مهمات حرب وارد این بندر نموده
بجانب ولایات ارض روم و وان بفرستد

تا کنون نه صد صندوق تفنگ و دوازده عراده توپ
جالی از اینطریق بجانب سرحدات روانه نمودند
میکویند پانصد اسب مجاری هم امروز یافردا وارد
خواهد شد چند روز است که به تهیه جا و علیق آنها
مشغولند

از این تدارکات مستعجله عقیده جمعی بر این است

که حکومت عثمانی بلاخره مدعی خواهد شد که اراضی
متصرفه را ایرانیان بسرور زمان غصب و تملک نموده اند
و ملک طاق عثمانی است و اگر اعتراض و ایستاده می شود
با قوای موجوده تهدید و بلکه اعلان حرب خواهد
نمود که فی الحقیقه حرکات و تدارکات عثمانی مؤید این
عقیده است

در اینجا ناگزیریم وکلای محترم دار الشورای
ملی را مخاطب داشته با کمال ادب عرضه بداریم که آخر
شما بزرگواران را ملت مظلوم ایران واقف بموافقت
عصر دانسته از طرف خود به مجلس فرستاده اند تا
باقضای زمین و زمان حرکت فرمائید و به چاره تجاوزات
همسایگان پردازید

در اینمدت یکسال و اندی ماه که همه روزه مسئله
سرحد اهمیت کسب مینماید کدام تدارکات را دیده و کدام
استحکامات را در سرحد بر پا داشته اید اگر منتظر اقدامات
اولیای دولت هستید (بیار جامه نیلی و تخته تابوت) در
ایشان اگر حمیت وطن پرستی و بصیرت میبود اینگونه
خاموش نمی نشستند و فیصله کار را با اقتدار قلم سفیر
کبیر حواله نمی نمودند

آخر از برای پیش آمد این روزها بود که بیچاره
مدیر حبل المتین از عدم انتظام قوه حربیه مار فریادمیکشید
به غفلت و جهالت درباریان ندیده می نمود — به عقیده
شما بزرگواران و سایر طبقات ملت گویا منظم ترین
وزارت خانه های ایران وزارت جلیله خارجه است آیا
شنیده شده تا کنون بقونسولگری طرابوزان و ارض روم
و وان اطلاع بدهد که وزارت خارجه را از حرکات
عثمانی مستحضر دارند قناسل دول سائر در اینموقع

آرامی نداشتند هر روز حرکات عثمانی و اغتشاشی ارضروم را بدولت متبوعه خود راپورت میکنند

اگر وظیفه ماورین ما فقط تذکره دادن و تحریر ترکه نمودن و خوردن و خوابیدن است هیچ لزوم ندارد سالی این قدر مواجب باین ها داده شود ملت مطیع ایران بده مقرری خود را اگر بخزینة دولت میرود هر وقت باشد تقدیم میکنند و ترکه شان هم بوراث حقیقی میرسد بکبر در ارض روم ترکه اسمعیل دیلمقانی به پدما نمیرود ای وکلای محترم مجلس مقدس ای مپوئین غیور آذر بایبجان چه هنگام آسوده نشستن است (از بهر شکست دل مابسته صفی)

(یار از طرفی و روزگار از طرفی)

اگراد بدنهاده که در اسلامبول و سایر نقاط عثمانی به لعلی و حمالی مشغول بودند و اداره یومیسه شان منسر بود حالا فوج فوج وارد اینجا شده مسلحا باوطن خویش عودت میکنند البته معنی این صله بشما بزرگواران پوشیده نیست هرچه زودتر نایره جنک و قتال را که در مابین اهالی خوی و جناب اقبال السلطنه مشغول است خاموش کنید و اقبال السلطنه را از خدمات مرحوم تیمور پاشاخان طاب سره که در حادثه مدهشه شیخ عبیدالله از انجمنه غیرت و شجاعت سر زد مقذ کر نمائید و بگوئید که همان اتقام است فرزندش شیخ صدیق از ایرانیان میخواید

برادران وطنی ما ارمنیان را که هنوز صفحه خاک عثمانی از خون ابدان همکیشان شان رنگین است تشویق و ترغیب ساخته بفهمانید که آخر النجاکاه شما در غنایه زیله خاک پاک ایران بود و ایرانیان آزادی شمارا سوارهای قراچه داغ در سرحد جمهوری از چنگال این اکراد نمک بهرام تخلیص نمودند حالا موقع ایفای حق نعمت و اظهار صداقت و بها دری و اخذ ثار بدست آمده و این قدر اسامحه و مهمات که از سایه دولت علیه ایران مالک شده اید محض امروز لازم است

به خدا اکر ار طرف دولت علیه و مجلس مقدس باین ملت غیور اندک اطمینان و پشت گرمی داده شود باتمام هستی خود مفتخرانه بمعا و مت ایران و ایرانیان اقدام خواهند نمود و در صورت انتهای ایشان البته پنجاه هزار مجاهد قفقازی و سی هزار فرائی آذر بایبجانی بهمت خواهند آمد و رجزات خود را سکه در بدایت مشروطیت ایران میخواندند در میدان حرب خواهند طواند زیرا

(اذا قعد الرجال عن المعاصی ، فما فضل الرجال علی الفوائی)

گفتن و نوهتن بسیار آسان است چنانکه بنده

مینویسم و حضرات مجاهدین یگسال قبل میفرمودند ولی حرف بجوال تمیرود قول را فعل لازم است و علمرا عدل این دوکامه لازم و ملزوم و محتاج بمعاونت یکدیگرند سبحان الله در هنگام حرکت و کلای تبریز فدائیان آذر بایبجانی شور انشور بر پا داشته میگفتند که اکر تازی از تارک و کلا کم شود اند آسمان بر زمین افکنیم پس ملت چه شد که این گونه خاموش شدند و متواری گشتند و حال آنکه مقصود از تعیین وکلا و استحصال مشروطیت و تأسیس مجلس ملی محافظت و آبادی وطن مقدس و توسعه دائره امنیت و عدالت است مقصود اصلی محافظت وطن بود که امروز قطعه از قطعات مقدس و محصول خیزش یا مال سم بمنند دشمن مرصت است بدون وطن هیچ ملت را شری و سیادت حاصل نمیشود از اینم بیشتر گفتن نشاید (سید طباطبائی)

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

(پنجشنبه ۱۴ شوال)

اظهار شد که چون اجزا کمیسیونهای مقرره معین شدند و از روز شنبه باید مشغول وظایف خود باشند هیئت اداره کننده مجلس که نایبان رئیس و چهار نفر منشی و دفتردار باشند باید انتخاب شوند بموجب نظامنامه داخلی که ظرف مدت اشتغال شان یکسال است فعلا از سال متجاوز و باید تجدید انتخاب کرد بعضی گفتند که تاملی لازم است تا روز شنبه گفته شد دیگر چی تامل نیست و هر یک از وکلا اشخاصی که قابلیت هر سفلی رادافته باشند میهناسند پس باید زودتر انتخاب کرد اول اوراق رای در حق نایب رئیس اول گرفته شد وثوق الدوله ، باکثرت آراء معین شدند و حاجی امین الشرب ، بنیابت ریاست مرتبه دوم منتخب شدند و حاجی سید نصر الله ، و آقا میرزا طامر ، و مستشار الدوله ، و آقا میرزا مرتضی قلیخان ، با کثرت آراء بمنشی کری منتخب شدند ای ریاست دفتر صدیق حضرت انتخاب شد آقای آقا میرزا سید محمد مجتهد سلمه الله اظهار داشتند که ما بواسطه حسن طریقه دولت مشروطه حاضر شده هم قسم اقدامات را نموده که اسباب آسایش عامه فراهم آید تا حال نتیجه که مفید بحال عموم باشد از تهاون و مسامحه قوم مجریه حاصل نشده و چنین معلوم میشود که اولیای دولت مشروطه و سلطان مشروطه ابدأ خودشان را مصدر و مرجع امور نمی دانند و تمام کارها را از خودشان دور کرده بپرده دیگران میدانند اکر چنین است باید یک فکری بحال مردم نمود و به این تظلمات پدایی که میرسد باید داد رسی

رفته در را بروی او بسته دیدند بعد از شکستن در
ملاحظه شد که شش لول را در دهان خود خالی کرده
و يك اعلانی هم بخط خودش در دیوار منزل نصب
کرده باین مضمون

(نمیدانم حدیث نامه چون است)

(همی بینم که عنوانش بخون است)
مخفی نماید که این بنده میخواهم این جهان فانی
را وداع نمایم در حائیکه کسی با من نیست که مرا از این
خیال منصرف نماید و چون اسم و رسم خود را اظهار
نگردم از برادران دینی امید وار چنانم که در حق این
کم نام گمان بدی نه نموده از خداوند متمسک طلب
مفرت بنمایند و بعد از من بموجب این نوشته بر احدی
اذا و اذیت نه نمایند و آنچه در منظور است جنازه مرا
به کرباس و طنی به پیچند و از خدا
حافظی نموده معذرت میخواهم آنچه در توی حجره
از قبیل فرش و ظروف و لحاف هست همه مال ارباب است
بجز لباس که مال خودم است و پول نقدی که دارم
تقریباً از ده تومان الی چهارده تومان بتاریخ شهرشوال
۱۳۲۵

ولی از آنجا تیکه شش لول کوچک بود کار کر
شده کوله در سر مانده سرد شده بود و خودش عنوان
نمود که یک فن دو قونیم هم تریاک خوردم فوراً جناب
حاجی محمد حسن او را برد بخانه خودش در آنجا
شیر زیادی آورده میل نمود و دو نفر حکیم آوردند که
کوله را از سر بیرون آورند بعد از فکر زیاد عاجز
شده مراجعت کردند در این بین هر چه خون خورده
بود با شیر استفراغ کرد و یک جراح دیگر ادعا کرد
که تا دو ساعت بعد کوله را بیرون می آورم بعد از
اذیت زیاد نتوانست

عصر سه شنبه دکتر روسی که در کنطور است آورده
ملاحظه نمود قدری غرغره داد تا صبح کوله را بیرون
بیاورد صبح چهارشنبه آمد اظهار داشت که در اینجا
اسباب جمع نیست باید حتماً بیاورید مریض خانه که
هر روزی چهار پنج مرتبه طبابت نمایم

در این بین هر چه سؤال نمودند که تو کیستی
و دردت چیست چرا قصد خود نمودی ایدا جواب نداد
مگر گفت اسمم آقا سید اسد الله و وطنم زنجان است
همان ساعت در شکه حاضر نموده نقل دادند
بعد بیض خانه در بین راه حالتش منقلب گردید دکتر
خوان نمود که دو روزی مسداوا نموده حالتش بهتر
شده کوله را بیرون می آورم

یوم جمعه هشتم شوال حالتش بهتر شد چنانچه

کرد چنانچه از خلخال تلگرافات سخت نموده اند و هم چنین
از تنکابن و غیره آقای آقا سید عبدالله سالمه الله اظهار
داشتند که قسمی در مشروطیت نیست و این گونه اختلالات
هم از آثار تبدیل و تغییر هیئت دولت است و ظهورش
طبیعی است ولی باید جاو گیری کرده تحصیل امنیت و
آسایش شود گفته در اولیای امور جد و جهد باید نمایند
و هرگاه نواصی در الایات و ادوات است تکمیل نموده
رفع اختلالات شود گفته شد که تا یک اندازه راه عذر
وزرا پیدا است میگویند و سبب نمیکذارند احکام اجرا شود
گفته شد که نیاید وساطت را قبول نمایند

در خصوص والده میدان توپخانه اظهار شد که
باید وزیر جنگ را خواست تحقیق شده معلوم شود که
تقصیر از کیست گفته شد باید تمام وزرا را خواست و
نامین تمام ولایات و شهر را از ایشان خواستکار شد
اظهار شد که جناب آقای آقا میرزا ابراهیم
شیرازی تلگرافی کرده بودند که صورت استفسار و
جوایبکه باسم و امضای من چاپ کرده منتشر نمودند
بی اصل و کذب است مجبول و ساختگی است هر جا دیدند
جمع کنند لایحه از انجمنها قرائت شد که عرض ما از
اظهار عرایض نه زیارت دستخط مجلس است که بجواب
کتابی سر افراز شویم عریضه که پریروز در خصوص
آن سه مطلب عرض شد محض ملت خواهی و مقصود
حصول نتیجه بود مجدداً عرض می نمایم اشخاصیکه پول
ندادند یا شخص رئیس بگیرد و یا آنها از ملیت خود
استفا بدهند و الا انجمنها خواهند گرفت و نظام جدید
را هم هر چه زود تر اقدام نمایند امنیت شهر را هم
یا اقدام نموده و امنیت داده و یا مجبول بانجمنها نمایند
که تا مدت سه ماه این خدمت را بانجام برسانند و واقعه
امروزه که اتفاق افتاد شاهد بر مدعا است خود اینست
که دچار حادثه عظیم و ناکوار شویم استدعا اینکه جواب
فعلی بانجمنها داده شود گفته شد که این مطالب صحیح
و باید وزرا را خواست در این مراتب مذاکره کرده
بعد از آن جواب صحیح داده شود (مجلس ختم شد)

(واقعه جانسوز)

(راپورت از قزوین)

خدمت جناب مدیر محترم جبل المتین
یومیه دامت برکاته عصر ۲۸ صیام جوانی ترک بسن
بیست و پنج الی بیست و هفت سال وارد قزوین گردید
و در سرای جناب حاجی محمد حسن شاهرودی منزل
گرفته با کسی معاشر و همزبان نشد

صبح یوم سه شنبه ۵ هوال صدای ناله از میان
حجره برخواست سرا دار با دو سه نفر تیریزی بالا

و سپرده بودند که بعد از وقوع واقعه بآدارة
برای درج بفرستند و ما در آن وقت بملاحظه آنکه
عباد حسن آقای مرحوم را ابتلائی پیدا شود
از درجش صرفی نظر کردیم اکنون که این یکبار در
نیز از جهان فانی چشم پوهیده و براحه ابدی رسید
دیگر در درجش عنری باقی نمانده است لذا درج کردیم
و در این موقع جز نوع يك مجلس فاتحه و ختم
برای این جوان تازه گذشته از ملت نداریم مخصوصا
از جناب مستطاب حاجی ملك المتكلمين اقدام در این
امر خیر را زیاد متواضعیم

سواد رقیمة دو برادر مکرم

خدمت . . . مدیر جریده جبل المتین عرض و
اظهار میشود ما دو نفر برادر حسن آقا و عباس آقا
اقدام بکار بزرگی کردیم و میرویم چون امید مراجعت
نداریم لهذا این وره را نوشته بیگی از رفقا داده که بعد
از ده روز بشما بفرستد اگر قدرت دارید در روزنامه
درج کنید (فدویان ملت عباس آقا و حسن آقا)

(اعلان)

خیابان سراج الملك در حمام نظامیه یكدستگاه عمارت
بیرونی و اندرونی باباغ وکالسه خانه وطوبله باآب جاری
اجاره داده میشود (صدرا لاطنه)

(اعلان)

تاریخ ملکه ماری استوارت پادشاه اسکاتلند که از
واقعات عبرت انگیز مائه ۱۶ میلادی است ترجمه میرزا
ابو تراب خان نظم الدوله از طبع خارج شده در
کتاب خانه تربیت و شرافت و شمس العماره و تمدن
در جلدی هفت هزار بفروش میرسد

(اعلان)

تاریخ رولو میون فرانسه که از حیث مامومات
مستغنی از تعریف است جزو جزو از طبع خارج و
توزیع میشود در کتا بخا نهی تربیت و شرافت و
شمس العماره و غیره جزوی چهار شاهی بفروش
میرسد و اگر کسی بخواهد ابره بشود جزوی پنجشاهی
قیمت سه ماهه که دوازده جزو سه قران میشود بکلی
بآداره جبل المتین نوشته مرتبا برای او فرستاده خواهد شد
و محتدل است بعد از توزیع دوسه نمره اول هفته دو
یاسه جزو از طبع خارج شود در آنصورت بهمان
نسبت زودتر از سه ماه تقدیم میشود

(حسن الحسینی الکاشانی)

قیمت نموده نماز صبح و ظهر و عصر را بجای آورد
دو نفر تبریزی که یکی همسایه او و دیگری
جزئی نسبتی داشت ملاقات نموده شناختند که این جوان
غیور حسن آقا برادر عباس آقای مجاهد است که
خداوند روحش را شاد فرماید ملت ایرانرا زنده کرد
پس از شناختن قسم داد که تا زنده ام بیگسی ابراز
این مسئله را ننمائید از گفتگوهای این جوان چنین
معلوم شد که از انجمن سری مأموریتی خواسته که هرکس
مانع از پیشرفت مشروطه است بدار البوار روانه نماید
انجمن سری صلاح چنین دیده که سری تأمل
شود چون این جوان خیلی ساعی بوده و از داغ برادر
طافتش ناب شده بود از انجمن سری امر بیداحت
نمودند بزم سیاحت در قزوین عرصه باو تنگ شده
قدم خود نمود

در شب یکشنبه ۱۰ شوال سه ساعت و نیم از شب
گذشته این جهان فانی را وداع نمود شبانه جنازه او را
از مریض خانه نقل دادند بمسجد صبح زود آقایان
مجاهدین و غیره مسبوق شدند که این جوان از سلسله
مجاهدین حقیقی و فدائی ملت است از کوچک و بزرگ در
تشییع جنازه حاضر شدند و با احترام هرچه تمام تر
جنازه را برداشته در آستانه مبارکه شاهزاده حسین دفن
نمودند

جناب حاجی محمد حسن پانبریزی ها در مسجد
مجلس فاتحه منعقد نموده دسته دسته از آقایان بمجلس
فاتحه حاضر شده طلب مغفرت می نمودند الحق شور
غریبی از حضرات تبریزیها و آقایان مجاهدین پدیدار شد
که گویا برادر تنی ایشان از دنیا رفته

و بدست لباس این مرحوم در حجره جناب آقا

مشهدی ستار تبریزی موجود است

(جبل المتین)

خداوند این جوان ناکام غیور و ارحمت بفرماید
راستی این دو برادر والا کهر از عجایب و انوادر دهر
بودند و حرفها بناید زمین کردش کند تا چنین دو وجودی
توأم بعره بیروز بیایورده که حیاترا در نظر آنان باندازه
پر گاهی قدر و قیمت نباشد بآدلی زنده و کله بر شور
همانطور که در خلقت مثل نادر و ناپلئون و بیز مارک
و جودهی فوق الطبیعه شمرده میشوند این دو جوان
و این در عالم خود همان قسم نادره زمان و وجودهای
خارق عادت میشود حساب کرد —

همان ایام که اتابک مقتول کشت بعد از چند روز
یا کتی بتوسط پست بآدارة رسید چون باز کرده
و بخواندیم معلوم گشت همین دو برادر نوشته